

راهبردهای نوین تمدن اسلامی برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز

امین الله سالارزهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷

چکیده

تمدن و ظرفیتهای موجود در اسلام، همواره نشان و حکایت از همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته، به گونه‌ای که می‌توان گفت سیره نبوی منشأ عوامل و راهبردهای مهم برای شکوفایی و پویای مدنیت نوین است. در مقاله حاضر، سعی بر آن شده است تا با بررسی برخی از ظرفیتهای و مصادیق تمدن اسلامی، به بیان مدنیت مسالمت‌آمیز اسلامی پرداخته شود. حال سؤال این است آیا تمدن اسلامی با ظرفیتهای موجود در بطن خویش، راهکار و توانایی ارائه فرهنگی اجتماعی و الگوی رفتاری در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و را دارد یا خیر؟ و آیا می‌توان با تأسی به سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که محور اساسی تمدن اسلامی است، الگویی برای یک جامعه متمدن و مسالمت‌آمیز تشکیل داد، یا خیر؟ طبق یافته‌های مورد نظر که در طی مقاله به آن اشاره می‌شود می‌توان گفت: دین اسلام دینی پویا و به روز با ظرفیتهای غیرقابل انکار به ویژه در بحث رویدادهای تمدن اسلامی است که طبق مقتضای حال

۱. کارشناسی ارشد مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم / nimasalar20@gmail.com

جامعه پایه‌ریزی شده تا به مقصد نهایی که سعادت بشر است دست یابد. مقاله حاضر به روش تحلیلی و توصیفی به بیان موضوع می‌پردازد. هدف در این مقاله بیان برخی از مصادیق و ظرفیتهای تمدن اسلامی برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد. به نظر می‌رسد بیان مصادیق ظرفیتهای و الگو برداری از آنها، شیوه‌ای درست‌تر برای رسیدن به تمدن اسلامی با گرایش مسالمت‌آمیز باشد.

واژگان کلیدی: تمدن، اسلام، سیره نبوی، راهبردهای نوین، همزیستی، مسالمت‌آمیز.

مقدمه

ساختار شخصیتی جامعه عربی قبل از ورود اسلام، درگیر مشکلاتی چون زندگی بدوی، دورافتادگی از ملیتهای متمدن، تعصبات قومی و خویشاوندی، فقر، بی‌سوادی، شیوع بیماریهای روحی و جسمی بود، در این میان رسول اکرم صلی الله علیه و آله با اجرای دستورهای خداوند و بیان مسائل و قواعد آن، بزرگ‌ترین نظام علمی دنیا که با عمل پیوند داشت را بنیان نهاد. اعتلای این نظام که به تمدن اسلامی مشهور است، شرکت ملیتها و نژادهای گوناگون جامعه در سایه رفتار مسالمت‌آمیز است.

پیشرفت، عظمت و گستردگی از ویژگیهای تمدن اسلامی است که مانند تمدن غرب امروز، تنها به اقتصاد و مادی‌گرایی محض نمی‌نگرد و یا مانند دیگر تمدنها و ادیان، فقط به پرورش روح نمی‌پردازد؛ بلکه تمدنی است که به پرورش روح و ماده توجه می‌دارد که از دستورهای الهی، با مقتضای حال جامعه سرچشمه می‌گیرد (ر.ک: ابوشهبه، ۱۴۳۱ق، ص ۱۸۳).

تمدنی که با مقتضای حال جامعه و با راهبردی نوین گام بر می‌دارد، قطعاً آن راهبرد علم آگاهی و مدیریتی است که نحوه به خدمت گرفتن قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدفهای مورد نظر نشان می‌دهد، از این رو تمدن اسلامی با همزیستی مسالمت‌آمیز، تمدنی بی‌نیاز و پربار با گنجایش و ظرفیتهای بی‌ظنیری است؛ که به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله قدرت روح و حیات گرفت و ارزشهای آن شکوفا شد. پیامبر صلی الله علیه و آله با بهره‌گیری از وحی، اقداماتی برای به کمال و پختگی این دین انجام داد. همانند بذری که کاشته می‌شود و ستبر می‌شود: «فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى» (فتح، ۲۹)، از این رو دین جایگاه و نقش ویژه و برتری در فرایندسازی، به خود اختصاص داده است. این موضوع پذیرفته شده است که هیچ فرهنگ و تمدنی نزد هیچ قومی یافت نمی‌شود، مگر آنکه در آن فرهنگ و تمدن، شکلی از مذهب وجود داشته باشد. «رادا کریشان» دین

را باطن تمدن می‌داند و معتقد است: دین همانند روح در کالبد سازمان اجتماعی است (رادمنش، ۱۳۵۷ش، ص ۱۷۹).

باید در نظر داشت درخت تمدن اسلامی، چند قرن پس از پیامبر اسلام به بار نشست و میوه‌های آن در زمینه فرهنگ، هنر، علوم شرعی، عقلی و ادبی آشکار شد؛ که حاصل و دست رنج ایشان در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است، وگرنه هرگز درخت تمدن اسلامی به بار نمی‌نشست و برای جوامع متمدن الگو قرار نمی‌گرفت. این نکته قابل یادآوری است که هر جا ذکری از تمدن اسلامی به میان آید، قطعاً همزیستی مسالمت‌آمیز قرین و دوشادوش آن خواهد بود.

در این نوشتار سعی می‌گردد به محورهای اساسی تمدن اسلامی که راهبردی برای همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام است پرداخته شود و سپس راهکارها و راهبردهای تمدن اسلامی با تمسک به دو محور اساسی قرآن و سیرت پیامبر اکرم تبیین و بررسی می‌شود.

سؤال: دیدگاه‌های سکولاریستی همواره با دیدگاه‌های اسلامی در تضاد هستند، به همین خاطر گهگاه دیدگاه و نظریات قدیمی رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرد که سبب طرح سؤال و پرسش به ویژه در حوزه معارف دینی می‌گردد. در سالهای اخیر، با توجه به شبهات و ابهاماتی درباره قلمرو دخالت دین در زندگی انسان، وارد شده است و ما شاهد سؤالات متعددی در این باب هستیم. با توجه به پیشرفت کنونی برای دولتها و افرادی که خواهان تغییر و آسایش معنوی (فکری) و مادی (تجاری) هستند، این سؤالات پیش خواهد آمد که آیا دین و تمدن اسلامی با ظرفیتهای پتانسیل موجود خویش، توانایی ارائه فرهنگ اجتماعی و الگوی رفتاری در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و ... به صورت مسالمت‌آمیز دارد؟ و آیا می‌توان با تأسی به سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که محور اساسی تمدن اسلامی است، الگویی برای یک جامعه متمدن و همزیستی مسالمت‌آمیز ارائه داد؟

فرضیه: دین اسلام آخرین دین و پیامبرش آخرین پیامبر است، به همین منظور باید طراحی و پایه‌ریزی آن جهانی و ابدی باشد که یکی شاخص‌ترین آموزه‌های دینی (تمدن اسلامی)، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است. از تشکیل دولت نبوی تا روزگار طلایی تمدن اسلامی، رکن اساسی پایه‌گذاری شده، تحکیم و گسترش وحدت و اخوت در بین همه اقشار جامعه و ارتباط سالم با دیگر ملل و ادیان است. راهبرد اسلام، رفتار مسالمت‌آمیز در همه زمینه‌ها از جمله اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و ... است.

اهداف مهم انبیا، به ویژه پیامبر اسلام، دعوت به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در سایه تقوای الهی بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان پایه‌گذار اساسی تمدن اسلامی، در تمام حوزه‌های زندگی بشری از جمله حوزه‌های فردی، اجتماعی، روابط بین ادیان و غیره، الگویی به تمام معنا برای تمدن و مدنیت مسالمت‌آمیز می‌باشد.

پیشینه پژوهش

پیشینه این بحث را در کتابهای معروفی، چون ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌تیر، تاریخ عرب (فیلیپ خلیل حتی)، فتوح البلدان (بلاذری)، کارنامه اسلام (عبدالحسین زرین‌کوب) می‌توان یافت، وجه تمایز این مقاله با کتب پیشین بدین صورت است که در آنها مصادیق مورد نظر به صورت پراکنده بحث شده بود، اما در این مقاله به صورت کلی به عوامل و راهبرد تمدن اسلامی که توان و کارایی یک تمدن واقعی در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز را داشته باشد پرداخته می‌شود.

مفهوم شناسی

راهبرد؛ به معنای عمل تجهیز و به کارگیری نیروها و تواناییها در جهت دستیابی به هدفی معین، که امروزه به استراتژی معروف است (انوری، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ص ۳۵۶۹).

نوین؛ یعنی دارای حالت یا کیفیت نو (همان، ج ۸، ص ۸۰۴۶). همزیستی مسالمت آمیز؛ به معنای رابطه توأم با مماشات و گذشت بین دو جاندار، که نتیجه آن به نفع یکی یا هردو آنها است (همان، ج ۸، ص ۸۴۰۱). تمدن یا «الحضارة» مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور، یا عصر معین، یا حالت پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است (همان، ج ۳، ص ۱۸۹۴).

علامه محمدتقی جعفری «تمدن» را این گونه تعریف می‌کند: «تمدن؛ تشکّل هماهنگ انسانها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروههای جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسانها، در همه ابعاد مثبت است» (جعفری، ۱۳۵۹ ش، ج ۵، ص ۱۶۱).

در جمع بندی کلی تعاریف ارائه شده می‌توان گفت: تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. تمدن خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شده امور اجتماعی و به قول ابن‌خلدون، عمران یافتن است (رک: ابن‌خلدون، ۱۴۳۱ق، ص ۱۳۱). همچنین تمدن یا فرهنگ عبارت است از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات، هنرها، اخلاق و قوانین، آداب و رسوم، عادات و اعمال دیگری که به وسیله انسان در جامعه به دست می‌آید. به طور کل «تمدن مجموعه بزرگی از نظامهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و ... است که از نظر جغرافیایی، واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور دربر می‌گیرد» (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۴۱).

سیرت؛ به معنای رفتن و سیر کردن در زمین است (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۰۵). در لغت عرب «سیره» بر وزن «فعله» از کلمه سیر گرفته شده است و ماده «س، ی، ر» در لغت عرب دلالت بر «رفتن و حرکت کردن» دارد. گفته می‌شود که سار، یسیر، سیراً (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰). راغب اصفهانی می‌نویسد: سیر؛ یعنی حرکت

روی زمین، در زمین راه رفتن و گذشتن و عبور نمودن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۲). همچنین آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده‌اند؛ و از سیره فرد به صحیفه اعمال او و کیفیت سلوکش میان مردم تعبیر کرده‌اند (ر.ک: مشکانی سبزواری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۳۸).

می‌توان سیرت را به معنای شیوه رفتار، خلق و خو، روش تفکر طرز زندگانی بیان کرد (انوری، ۱۳۹۰ش، ج ۵، ص ۴۳۶۴). با توجه به آنچه گذشت معنا و مفهوم سیرت نبوی، به معنای شیوه رفتار، تفکر و زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و مقصود از مطالعه سیره نبوی، نگرش به سبک زندگی فردی و اجتماعی (حکومت‌داری و مدیریت) ایشان می‌باشد. بعد از آشنایی به مفهوم سیرت و تمدن به عوامل ایجاد تمدن به صورت تطبیقی با سیرت نبوی می‌پردازیم:

برخی از محورهای اساسی راهبرد تمدن اسلامی برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز

۱. قرآن (همزیستی مسلمانان با مسلمان)

این حقیقت بر همه مسلمانان واضح است که تنها مرجع مورد قبول، قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد، از این رو قرآن کریم و سنت نبوی به اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، یکی از حیاتی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل در حیات زندگی اجتماعی و در جوامع چند فرهنگی و ادیان مختلف، تصریح نموده و از مسلمانان خواسته تا از اختلاف دوری کنند و در کنار هم برادرگونه زندگی نمایند. قرآن کریم راهبردها و راهکارها را ارائه نموده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تبلیغ و ترویج آنها در جامعه پرداخته است.

یکی از این راهبردهای مهم تمدن اسلامی، اصل تحکیم اخوت بین مسلمانان است، با توجه به اصولی مانند اخوت، کرامت انسانی، تکیه بر فرهنگ گفتگوی متقابل به جای خشونت، تعامل و پرهیز از توهین و افترا، رعایت اصل عدالت، پایبندی به معاهدات و

پیمانها و احترام متقابل که هر کدام از آنها می‌تواند نقش مهم و اساسی در فرایند رسیدن به همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا نمایند. قرآن با مخاطب قرار دادن «یا ایها الناس»، همگان را به اتحاد و چنگ زدن به ریسمان الهی و دوری از تفرقه و اختلاف، برادری و برقراری صلح دعوت می‌کند.

خداوند متعال درباره همزیستی مسالمت‌آمیز بر محور اخوت و برادری که عمیق‌ترین رابطه بین انسانهاست می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰)؛ «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید». قرآن کریم بالاترین درجه از زندگی مسالمت‌آمیز را در این آیه مبارکه تبیین نموده و مؤمنان را برادر هم خوانده است؛ و به این نکته اشاره دارد همان‌گونه که در بین برادران حقیقی صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است، بین مؤمنان نیز باید چنین باشد. قرآن در آیات متعدد مسلمانان را بر محور حقیقت و ترک جدال و تفرقه دعوت می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان تکوین جامعه اسلامی صحیح را همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز نامید. باید توجه داشت که همه افراد نسبت به همدیگر حقوقی دارند که مراعات آن لازم و ضروری است و باید رعایت گردد، مانند عدم تعرض و توهین، احترام و تکریم، فارغ از اینکه عقیده و جهان‌بینی طرف مقابل چه باشد. خداوند کریم در این راستا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳)؛ «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است».

آموزه‌های قرآنی، جامعه بشری و به خصوص مسلمانان را به همگرایی و همسویی دعوت نموده است و از واگرایی و اختلاف بر حذر داشته است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران، ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام] چنگ زنید و پراکنده [و گروه گروه] نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کرده [قلباً مورد توجه قرار دهید]؛ آنگاه که [پیش از بعثت پیامبر] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند برقرار کرد، در نتیجه به سبب رحمت او با هم برادر شدید». در این آیه، خداوند متعال با نهی از تفرقه، مسلمانان را امر به وحدت نموده است و آنان را امت واحده نامیده که نتیجه آن همزیستی مسالمت‌آمیز در میان همه مسلمانان است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲)؛ «همانا این، امت شماست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید». خداوند متعال، خلقت همه انسانها را از نفس واحده می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء، ۱)؛ «ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از یک تن یگانه بیافرید و همسر او را هم از او پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند». مصداق بارز آن را می‌توان در عقد اخوت (پیمان برادری بین انصار و مهاجرین) که پیامبر اکرم بانی آن بود، مشاهده کرد.

۲. قرآن (همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمان با ادیان دیگر)

تعاملات دینی و همزیستی با پیروان ادیان آسمانی، یکی از اهداف و اصول قرآن کریم است. جهان معاصر زیستگاه میلیارد‌ها انسان با اندیشه‌های گوناگون، تنوع قومیتها، تعدد مذاهب و فرقه‌های بسیار است. که بهترین شیوه برای رسیدن به اهداف مشترک، دوری از اختلاف و همزیستی مسالمت‌آمیز است که با زندگی فطری انسانها نیز سازگارتر است. از این رو قرآن کریم درباره چگونگی برخورد با دیگران، مسلمانان را

به احترام گذاردن به دیگر اقوام و عدم رفتار با آنها بر پایه خودبزرگ بینی و غرور، فرا می خواند. اسلام به جای تعصبات دینی، تساهل و تسامح با اهل کتاب را توصیه می کند و دعوت به گفتگو می نماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۶۴)؛ «بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه ای که پذیرفته ما و شما است پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد، اگر آنان رویگردان شدند، بگو: شاهد باشید که ما مسلمان هستیم». اسلام، به عنوان جامع ترین نظام حقوقی الهی در روی زمین، دعوتش همگانی و برای همه بشریت در همه زمانها و مکانها است. این آیه و آیات متعدد دیگر، یک خطاب جهانی است که تنها دربر گیرنده مسلمانان نیست، بلکه فراتر می رود و دیگر ادیان را مورد خطاب قرار می دهد.

همچنین قرآن تفرقه و اختلاف را نهی و موضوع پرهیز از «تفرق» را پیامی هم سنگ با اصل برقراری دین می شمارد: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری، ۱۳)؛ «برای شما از دین همانی را مقرر کرد که نوح را بدان سفارش کرده بود و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را پیا دارید و در آن پراکندگی و اختلاف نکنید».

بدون تردید اگر دستورات قرآن کریم نبود، تمدنی با این گستردگی و پویایی که دربر گیرنده تسامح و رفتار مسالمت آمیز بین مسلمانان و دیگر ادیان باشد، باقی نمی ماند. راهبرد اساسی تمدن اسلامی در ارتقای همزیستی و تعامل اسلام با ادیان دیگر، چنگ زدن به اشتراکات و مشابهات و تأکید بر ارزشهای مشترک انسانی و دینی که توجه به آنها به ارتقای همزیستی و تعامل منجر می شود، است. قرآن کریم حق آزادی بیان را

برای مخالفان خود به رسمیت شناخته است و دستور صریح آن مجادله و بحث با وجه احسن است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ» (عنکبوت، ۴۶)؛ «با اهل کتاب جز به طریق نیکو مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کرده‌اند. به آنها بگویید به کتاب خویش و کتاب شما ایمان داریم».

طبق آیات فوق، گفتگوی تمدنها یک راهبرد و اصل است که هدف از آن بررسی مشترکات میان بشر می‌باشد. شعائر اسلامی، فرهنگ گفتگو را تقویت کرده تا از آنچه موجب ایجاد تنفر و نزاع میان بشریت می‌گردد، دوری کنند. از این رو اسلام، موفق‌ترین دین در از بین بردن فاصله‌های نژادی و قومی بوده است (حتی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۵)، به گونه‌ای که با انتشار اسلام، در گستره‌ای عظیم که دربرگیرنده اقوام و زبانهای گوناگون بود، الفت و وحدت در میان مردم حاکم شد (ر.ک: ولایتی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۷).

۳. پیامبر اکرم ﷺ

همان‌گونه که پیام، انگیزه و هدف اسلام از همان ابتدا جهانی بود، پیامبر اکرم ﷺ نیز در انجام این رسالت الهی موفق عمل کرد و توانست انقلاب اجتماعی کاملی با تمدن اسلامی همراه با همزیستی بین مسلمان و غیرمسلمان در جامعه زمان خودش ایجاد نماید. مسلمانان نیز با الهام و تأسی از اصول و شاخصه‌های اسلام و سیره رسول اکرم ﷺ توانستند در مدت کوتاهی، بر بخش وسیعی از جهان حکومت کنند. توفیق شگرف اسلام در تمدن‌سازی و اعتلای فرهنگ، اعجاب برانگیز است. اصول و پایه‌های تمدن اسلامی، که خاستگاه قرآنی دارد، با عزم والای پیامبر اکرم ﷺ در یثرب (مدینه النبی) بنیان نهاده شد، با پشتوانه و اهتمام مسلمانان مرزها را درنوردید و تمدنهای ایران و روم را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

با مطالعه سیره و زندگی پیامبر ﷺ در می‌یابیم که در فرهنگ بعثت، انسانها محور احترام هستند. ایشان تمایل داشت با انعقاد پیمانها و تأکید به همگان در لزوم پابندی به قراردادهای، زمینه‌های تیرگی روابط و فلسفه جنگ و ستیز از بین برود. پیامبر ﷺ همواره نسبت به انعقاد پیمانهای همکاری استقبال می‌نمود. موارد بسیاری از اهتمام به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در تمدن اسلامی منشعب از سیرت وی وجود دارد. ایشان حتی قبل از بعثت، بر اصل تنظیم روابط عادلانه میان قبایل بر پایه پیمان اصرار می‌ورزید و مکرر می‌فرمود: «من در خانه عبدالله بن جدعان، در جاهلیت شاهد بستن پیمان مشترک جهت حمایت از مظلومان، میان نمایندگان قبایل مختلف عرب بودم و چنان بر این پیمان دل بسته بودم که حاضر نبودم در ازای نقض آن، صاحب پربهاترین شتران باشم. اگر در اسلام به چنین پیمانی دعوت شوم، فوراً اجابت خواهم کرد» (رک: ابن-هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۹).

نمونه دیگر از همزیستی در سایه صلح و رفتار مسالمت‌آمیز زمانی است که رسول اکرم ﷺ با تمام قدرت برای فتح مکه وارد این شهر گردید. یکی از یاران پیامبر به نام سعد، شعار خشونت را فریاد زد: «الیوم یوم المَلْحَمَة / الیوم تَسْتَحِلُّ الحَرْمَة، الیوم أَدَلَّ اللهُ قَرِيشاً»؛ «امروز، روز برخوردای خونین است! امروز حرمتها شکسته می‌شود! امروز خدا قریش را خوار می‌کند!»، اما پیامبر ﷺ در رد شعار خشونت و انتقام فرمود: «الیوم یوم المَرْحَمَة، الیوم أَعَزَّ اللهُ قَرِيشاً»؛ «امروز روز مهرورزی است. امروز خداوند قریش را عزیز می‌کند» (ابن‌کنیر، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۴۱).

رسول خدا به درستی دریافته بود که می‌توان راهبردی مناسب و مسالمت‌آمیز از توانمندی آحاد جامعه کسب کرد و آن را به عنوان یک راهبرد امتیاز دهد، بنابراین با اقتدار اعلام می‌فرماید: «فَخِيارُكُمْ فِي الجاهِلِيَّةِ خِيارُكُمْ فِي الإسلامِ إِذا فَهَّوا» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۴۷)؛ «برگزیدگان دوران جاهلیت، وقتی علم حاصل کنند نخبگان

اسلامی خواهند بود». به همین خاطر است که با راهبرد تمدن اسلامی مسالمت آمیز در مسیر همزیستی موفق، افرادی به وجود می آیند که نه تنها خود موفق شده اند، بلکه الگوی دیگران در مسیر همزیستی مسالمت آمیز هستند. این اعمال و رفتار پیامبر ﷺ و اصحاب را می توان به عنوان راهبردی مؤثر برای همزیستی مسالمت آمیز معرفی کرد.

۴. همزیستی پیامبر اکرم ﷺ با یهود و نصارا

در تمدن و نظام اسلامی، داشتن روابط توأم با احترام و کرامت انسانی، خصوصاً با غیرمسلمانان، اصل است. خداوند در قرآن کریم طی قطعنامه ای اعلام نموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)؛ «ما به بنی آدم کرامت دادیم». این کرامت شامل همه انسانها، بدون در نظر داشتن جنسیت، مذهب، ملیت، قومیت و فرهنگ می باشد. نمونه های فراوانی در تاریخ و سیره پیامبر اسلام ﷺ مشاهده می شود که آن حضرت عقاید صحیح دیگران (که با منهج صحیح و بدون تغییر از پیامبران گذشته و سازگار با اصل کرامت انسانی) و معاهدات و پیمانها با یهودیان و مسیحیان را ارج می نهد (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، صص ۵۰۱ و ۹۷۴).

درباره مدارا و همزیستی با یهود و نصارا می توان به دستورالعمل حکومتی پیامبر اکرم ﷺ به عمر بن حزم اشاره کرد. پیامبر ﷺ با پیروان ادیان مختلف با مدارا برخورد می کرد و به مسلمانان سفارش می نمود که به نیازمندان پیروان ادیان الهی صدقه بدهند، همچنین خود را دشمن کسانی می دانست که به اهل ذمه آزار برساند (کریمی نیا، ۱۳۸۲ش، ص ۶۳). از طرفی حضرت آیین پیروان ادیان آسمانی را به رسمیت می شناسد و در برهه ای از زمان ابراز امیدواری می کند که آنان نیز به پیامی که بیانگر ادامه پیام الهی خود آنها است، روی آورند (ر.ک: میکال و لوران، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۷۷). این در حالی است که در سایه «منشور مدینه»، آزادانه به اعمال عبادی خود می پرداختند و

هیچ مسلمانی اجازه نداشت با آنان برخورد ناشایست داشته باشد و یا آنان را از حقوق اجتماعی خود محروم کند.

در جریان بحثهای پیامبر با هیئت نجران، ایشان به آنان اجازه داد که عقاید و دیدگاههایشان را بیان کنند (ابن هشام، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۸۴). اصل همزیستی مسالمت‌آمیز فقط مختص یک گروه از جامعه نیست، بلکه به عنوان یک اصل از تمدن اسلامی نوین، جوامع بین‌الملل را دربر می‌گیرد، چنان‌که محققان می‌نویسند: «در اندیشه سیاسی اسلام، صلح و همزیستی به عنوان اساسی‌ترین اصل در مناسبات بین‌المللی منظور گردیده و به همین دلیل، در حقوق اسلامی بهره‌برداری از فرصتهای مناسب برای تحکیم و برقراری شرایط و پیمانهای صلح در روابط خارجی جامعه اسلامی پیش‌بینی شده است. اسلام برای تحقق بخشیدن و گسترش حالت صلح در میان ملتها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیریهای خونین، نه تنها برای قراردادهای و معاهدات بین‌المللی ارزش حقوقی فوق‌العاده قائل شده، بلکه اصولاً ملتها و گروههای دیگر را نیز برای انعقاد پیمانهای صلح دعوت کرده و به جامعه اسلامی توصیه نموده است که در این زمینه همواره پیش‌قدم باشند» (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۵۰۵). پیامبر ﷺ همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و ملیتهای مختلف ایجاد کرد که اروپای قرون وسطی هرگز با آن آشنا نبود (رک: زرین‌کوب، ۱۳۶۲ش، ص ۲۳).

تمدن اسلامی که پایه و اساس آن بر همزیستی مسالمت‌آمیز است، نه تنها برای زنده‌های ادیان دیگر احترام قائل است، بلکه به پیروان خود دستور می‌دهد، حتی به مردگان آنان نیز احترام بگذارند. جابر بن عبدالله می‌گوید: جنازه‌ای از کنار ما رد شد. پیامبر ﷺ برای احترام برخاست، ما نیز برخاستیم و عرض کردیم: ای رسول خدا! این جنازه یک یهودی است! فرمود: «لیست نفساً»؛ «آیا جنازه انسان نیست؟» سپس دستور داد: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْجَنَازَةَ فَقُومُوا»؛ «هرگاه جنازه‌ای دیدید، از جایتان برخیزید» (بخاری،

۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۸۴ و ۸۵). عملکرد پیامبر ﷺ و دستور عمومی ایشان، نمونه بارز راهبرد اساسی برای همزیستی مسالمت‌آمیز است.

۵. راهبردی نوین برای همزیستی مسالمت‌آمیز

اقدامات اساسی پیامبر ﷺ با تأسی از قرآن مجید که بعدها به عنوان تمدن اسلامی نامیده می‌شود، راهبردی نوین و مناسب برای الگوبرداری در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز است؛ زیرا تمدن به وجود آمده حاصل تلاش، توصیه و همزیستی مسالمت‌آمیز ایشان با تک‌تک افراد جامعه از مسلمان و غیرمسلمان بوده است. از این رو اقدامات ایشان می‌تواند برای ایجاد زندگانی مسالمت‌آمیز مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. در اینجا تنها به چند مورد از اقدامات و عملکرد ایشان که می‌توان به عنوان یک راهبرد اساسی برای اصل همزیستی مسالمت‌آمیز قرار گیرد، اشاره می‌شود:

۵-۱. دین

خداوند برای اینکه یک جامعه از نظر روحی و اخلاقی به درجه کمال برسد و در فراز و نشیب ناملایمات دنیا ناامید نباشد: «يَا بَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْسُّوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْسُّ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷)؛ و به سعی و تلاش خویش بپردازد: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹) و زندگی را به کام خود تلخ نبیند، دین را وسیله رهایی و راه رسیدن به خویش قرار داده که به وسیله پیامبران هدیه داده شده است: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (بینه، ۵). از این رو برای اینکه دین در زندگی بشر وارد شود، نیاز به تلاش کسی بود که بداند در درون نامه چه حکمی برای بشر داده شده است. پیامبر ﷺ نمونه بارز یک مصلح و پیام‌رسان دلسوز بود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه، ۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق دستور الهی، اقدام به دعوت به صورت فردی و گروهی در هر طیف با گرایشهای فکری متفاوت را آغاز کرد و حتی به تبلیغ دین اکتفا نکرد، بلکه به صورت عملی وارد عرصه جامعه به عنوان یک معلم دلسوز، مبشر، اسوه، همراه و راهنما شد (نجیم سالم، ۱۴۲۶ق، ص ۷). بنابراین دین جایگاه و نقش ویژه و برتری در فرایندسازی به خود اختصاص داده است. این موضوع پذیرفته شده است که هیچ فرهنگ و تمدنی نزد هیچ قومی یافت نمی‌شود، مگر آنکه در آن فرهنگ و تمدن، شکلی از مذهب وجود داشته باشد. «رادا کیشنان» دین را باطن تمدن می‌داند و معتقد است: دین همانند روح در کالبد سازمان اجتماعی است (رادمنش، ۱۳۵۷ش، ص ۱۷۹).

اگر دین از طرق مختلف با هویت، فرهنگ، زبان، رفتار، تربیت و جهان‌بینی یک قوم گره بخورد، تا ریشه در آن نفوذ می‌کند و به اشکال گوناگون بر آنها تأثیر می‌گذارد و حتی آنان را شکل می‌دهد، کارکردشان را تغییر داده و از اساس متحول می‌سازد (همتی، ۱۳۹۲ش، صص ۷-۱۸). در چنین شرایطی غریزه خاموش می‌شود و همه چیز به کنترل روح در می‌آید که زاینده خیزش، پیشرفت و تمدن است. به بیان دیگر در این مرحله، همه افراد و اجزای جامعه همچون «كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ» (صف، ۴)؛ با ندای روح، حرکت صعودی را در پیش می‌گیرند (الویری و مهدی نژاد، ۱۳۹۲ش، صص ۱۶۳-۱۹۱)؛ زیرا دین، باوری است که همواره در حال پویایی، امیدواری، حرکت آفرینی، عزت و اعتلای اجتماعی در بعد همزیستی مسالمت‌آمیز، رستگاری دنیوی و اخروی است. چنان‌که، کفرورزی، انکار آیات خدا و نافرمانی از دستورات حق، عامل انحطاط جوامع و تمدنها و خشونت و جنگ به شمار می‌رود. پس دین یک ظرفیت کامل و راهبردی متمایز برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز است که با داستان مبارک آن حضرت به وجود آمد. تا جایی که بزرگمردی از ایران زمین به نام سلمان فارسی، برای دستیابی به کمال روحی و اخلاقی دنبال دینی می‌گردد که وی را از منجلاب و

سرگردانی فکر و روح رهایی بخشد. پس رهسپار دیار مختلف می‌شود و می‌گوید: من درباره آتش‌پرستی تحقیق کردم و به نتیجه‌ای نرسیدم، تا اینکه بعد از پرس و جو به دیار شام (سوریه) سفر کردم، در آنجا هم چیزی عایدم نشد، سپس فردی مشخصات مردی را داد که در عربستان زندگی می‌کند و گفت: وی دارای خصایصی است که بر هیچ‌کس پوشیده نیست، بین شانه‌هایش مهر نبوت است و از صدقه استفاده نمی‌کند. من نیز همراه گروهی عزم سفر کردم، وقتی به نزدیکی یثرب رسیدم، آنان مرا به عنوان برده در آن دیار فروختند، روزها و شبها به فکر دیدار آن مرد که او را «نبی» می‌گفتند، سپری کردم تا اینکه خبر آمدنش به یثرب را شنیدم و جهت ملاقات با وی، با طبقی از غذا پیشش رفتم و گفتم اینها صدقه است. ایشان لب به آن غذا نزد و به یارانش داد. باز طبق دیگری از طعام بردم و گفتم شما صدقه نمی‌خورید، این هدیه است، ایشان تناول کردند و دنبال نشانه سوم بودم که به دنبال او راه افتادم تا اینکه آن حضرت متوجه من شدند و پیراهن خویش را بالا زد و من مهر نبوت را دیدم و فوراً ایشان را بغل کردم و مهر را بوسه زدم و گریه کردم. بعد از آن ماجرا، پیامبر اکرم ﷺ فدیه آزادی من را پرداخت کرد و من آزاد گشتم (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۱۱).

حضرت جعفر بن ابی‌طالب چه زیبا دنیای بی‌دینی را در حبشه بیان می‌کند: چنین گفت: ای پادشاه! ما مردمی نادان و بت‌پرست بودیم و مردار می‌خوردیم، کارهای ناشایست انجام می‌دادیم، پیوند خویشاوندی را رعایت نمی‌کردیم، نسبت به همسایگان بدرفتاری می‌کردیم و نیرومند ما، بینوای ما را از بین می‌برد. وضع ما بدین شکل بود تا اینکه خداوند، برای ما پیامبری از خود ما برگزید که نسب و راستی و امانتداری و پاکدامنی او را نیک می‌شناسیم. او ما را به سوی خدای یگانه فرا خواند تا تنها خدا را بپرستیم و عبادت سنگها و بتها را رها کنیم. وی ما را به راستگویی، امانتداری، پیوند خویشاوندی و رعایت حق همسایگان دستور داد و از انجام کارهای حرام، خونریزی،

تهمت زدن به زنان پاکدامن، انجام کارهای زشت و ناشایست، شهادت و گفتار دروغ و خوردن مال یتیم منع کرد. همچنین به ما فرمان داد که خدا را پرستیم و هیچ چیز را شریک و انباز او قرار ندهیم و ما را امر نمود نماز بخوانیم، زکات بدهیم و روزه بگیریم (مبارکپوری، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴۲).

۵-۲. اقتصاد

اقتصاد روح و حیات یک تمدن است، همان‌گونه که گیاه برای رشد و نمو نیاز به آب دارد، یک جامعه برای پیشرفت و متمدن شدن نیاز به پشتوانه مالی و اقتصاد قوی دارد. اقتصاد قوی موجب تقلیل جرم و جنایت، دزدی، فحشا و فقری که دنباله‌رو کفر است می‌گردد: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷).

سطح زندگی مردم از شاخصهای اساسی توانمندی اقتصادی یا عقب‌ماندگی جوامع محسوب می‌شود و پایه‌گذاری حکومت اسلامی که ایمان مبنای آن قرار گرفت، ایمن و سلامت بودن را تضمین می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تشویق و توصیه، حفظ اموال مسلمان و غیرمسلمان را اولیت قرار داد. رشته برادری را بین مهاجران و انصار محکم کرد و دست حضرت علی علیه السلام را بالا برد و عقد اخوت را اعلام کرد (ر.ک: شلبی، ۱۳۸۲ش، ص ۵۶).

ایشان اسراف «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، ۱۴۱)، تبذیر اموال و ربا (که سرشاخه ضرر است) را حرام اعلام کرد و فرمود: کسی که گوشت و پوستش از مال حرام روییده باشد، داخل بهشت نمی‌شود. چنین کسی به آتش دوزخ شایسته‌تر است (تبریزی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۸۷، ح ۲۷۷۲). خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۳۰). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را برای تجارت تشویق می‌کرد: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ، وَالصَّدِيقِينَ، وَالشُّهَدَاءَ» (سنن ترمذی، ۱۹۷۵م، ح ۱۲۰۹).

فناوری و صنعت، شامل همه فنون، مهارتها، تواناییها و دانشهای تطبیقی می‌باشد. صنعت دارای دو جنبه است: جنبه فردی که وسیله کسب درآمد و رفاه شخص و جنبه اجتماعی که وسیله محافظت از کیان جامعه و تداوم پیشرفت آن است (بن‌نبی، ۱۹۹۲م، ص ۸۴). پیامبر ﷺ تمام دوران زندگانی خویش، با زهد، قناعت، خودداری از اسراف و تبذیر گذراند و همواره مسلمانان را تشویق می‌کرد که اموال اضافه بر نیازهای معقول و مشروع خود را در راه خدا انفاق کنند.

ایشان آیین تعهد و تضامنی اجتماعی را در جامعه اسلامی برقرار کرد و بر همه مسلمانانی که استطاعت مالی دارند واجب کرد که نیازهای تهیدستان را برآورده سازند و به فقیرانی که توانایی کار ندارند، رسیدگی کنند و با پرورش روحی و تقویت عقاید و باورهای احاد امت، پشتوانه مناسبی برای این دستور فراهم آورند. بدین گونه ایشان توانست انگیزه‌های انسان را از مسیر رقابت و مسابقات آلوده برای تأمین و اشباع خواسته‌های مادی و گرایشهای طغیان‌آمیز، به احساس مسئولیت و نگرانیهای بزرگ و مقدس ناشی از احساس جانشینی خدا بر روی زمین متحول سازد، تا هماهنگی و تعادل فرد و جامعه، ملت و دولت و دنیا و آخرت برقرار گردد (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۵۷).

رویکرد جدید اسلام به دنیا و تشویق فعالیت‌های اقتصادی، زمینه‌ساز پیدایش جامعه نوین اسلامی و تمدن جدید گردید. پیامبر ﷺ از طریق تشویق به کسب علم و تلاش، مصرف درست، نهی از اسراف، تبذیر در امور خیریه و تولید، به مبارزه با فقر، جهل و بی‌سوادی پرداخت. همچنین زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه از شخصیت ایشان و یارانش سرچشمه می‌گرفت و روایاتی نیست که از دیگران نقل و تحمیل شده باشد (ر.ک: شلبی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۰).

الگوی تمدن اسلامی بر اصل توانمندی و قدرت در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تأکید دارد. پیامبر ﷺ با توجه به ضرورت‌های جامعه نوین اسلامی در مدینه با

سیاست‌گذارهای روشن، در زمینه مسائل اقتصادی، از سویی به دنبال تدارک منابع درآمد دولت جدید بود و از سوی دیگر، برای رفع فقر و مشکلات اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت مسلمانان و کم کردن فاصله طبقاتی جامعه و استقرار عدالت اجتماعی تلاش می‌کرد تا آنجایی که عبدالرحمن بن عوف تمام دارایی خویش را در راه الهی وقف کرد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۷۹). همه اینها به دلیل موزون ساختن و هماهنگ کردن تحولات اجتماعی و کنترل آسیبهای ناشی از توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صورت می‌گرفت. اقتصاد اسلامی را می‌توان راهبرد اساسی برای همزیستی مسالمت‌آمیز معرفی کرد و الگو قرار داد.

۵-۳. دانش‌گستری و دانش‌پژوهی

اسلام در جامعه‌ای ظهور کرد که مردم آن از جهل و بی‌سوادی به شدت رنج می‌بردند. دوران متمادی گذشت بوده که میان دین و علم جدایی انداخته شده بود. به قول معروف علم در دره‌ای و دین در دره‌ای قرار داشت. در سرزمین حجاز فقط ۱۷ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند (بلاذری، ۱۳۹۸ق، صص ۶۵۴-۶۵۹)، که پیامبر ﷺ در دوران زندگی در مکه در خانه خنه بن اب‌الأرقم به دعوت و آموزش می‌پرداخت و بعد از هجرت، مسجد را پایگاه آموزشی و تعلیمی خود قرار داد (ر.ک: سپهری، ۱۳۹۱ش، ص ۲۳۹). با تلاش مستمر ایشان دانش فراگیر شد و پیوند میان دین و علم برقرار گشت، به تعبیری عموم و خصوص مطلق دین علم است و علم دین است (ر.ک: رشاد، ۱۴۲۸ق، ص ۱۹۳).

تأثیر تمدن اسلامی در علم، از راه تشویق به علم‌اندوزی «فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر الکواکب» (منذری، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۷، ح ۱۰۶)، «الحکمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو احق بها» (شهید ثانی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۷۳) و توصیه برای کسب و نشر علم، در سیره علمی و عملی پیامبر اکرم ﷺ به وجود آمد. در سیره

نبوی، برای فراگیری علم و پیشه، هیچ‌گونه محدودیت زمانی و مکانی قابل تصور نیست: «رَوَى عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ (رض) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَلِبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةَ عَلِيٍّ كُلِّ مُسْلِمٍ» (منذری، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۸، ح ۱۰۹).

بارزترین نمونه برای فراگیری و پراهمیت جلوه دادن علم، این بود که پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بدر، فدیه اسرا برای آزادی را تعلیم ده نفر از اطفال مسلمانان قرارداد (مبارکپوری، ۱۳۸۲ش، ص ۳۳۵). این عمل ایشان نشان می‌دهد که برتری علم بر ثروت و جهل مانند تفاوت زمین و آسمان است. پیامبر ﷺ تحصیل علم را واجب اعلام کرد، در حالی که در عربستان، پیش از ظهور اسلام، باسواد و عالم شدن، متروک بود. در چنین محیطی پیامبر ﷺ کسب علم را مهم‌ترین کار دانست و در همین راستا فرمود: طلب علم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است.

تمدن اسلامی محدودیت زمانی و مکانی را در راه کسب علم و دانش برداشت، از این نظر که در مدرسه نبوی همه اقشار مردم از جمله کهنسال، نوجوان، فقیر، سرمایه‌دار، رؤسای قبایل مختلف با حد و تناسب علمی و استعدادهای متفاوت به فراگیری علم مشغول بودند (ر.ک: ندوی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵۸). این عمل، نمونه بارز راهبرد تمدن اسلامی و سیره عملی آن حضرت در برتری دادن جمعیت‌های علمی است. احادیث زیادی درباره تشویق و تأکید علم‌آموزی سبب شد تا مسلمانان با همت و سرعت بی‌نظیر به جستجو و فراگیری علم روی آورند و یکی از باشکوه‌ترین تمدنها و فرهنگهای تاریخ بشریت را تا به امروز به وجود آورند؛ که می‌توان از آن به عنوان یک راهبرد در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز مفید یاد کرد.

تأثیرگذاری سیره نبوی بر علم سبب این شکوفایی بی‌نظیر شد. تمدن در باب علم، مدیون دانشمندان و عقلایی است که به وسیله تربیت علمی اساتید خود رشد کردند، از این جهت صحابه که دارای استعدادهای درخشانی بودند، این تمدن را با الگو از سیرت

نبوی رقم زدند تا جایی که اهتمام به این امر سبب رشد دانشمندان مسلمان شد و تا قرن‌ها غیرمسلمانان مدیون علم گره‌خورده با تمدن اسلامی بودند. اگر راهبرد اساسی در این زمینه وجود نداشت، هرگز ارتباط محکم علمی در بین جوامع عربی و غربی برقرار نمی‌شد و ارتباط علمی که سبب همزیستی مسالمت‌آمیز است، به وجود نمی‌آمد. در آخر این بحث باید به این نکته توجه داشت که تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای نباید به قشری خاص اختصاص داشته باشد و دیگران از آن بی‌بهره باشند، بلکه نظام تعلیم و تربیت باید چنان باشد که هر کس به اندازه استعداد و توانایی خود، بتواند از آن بهره‌مند شود.

۵-۴. اخلاق

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴)؛ «و به راستی که تو را خلق و خوئی خوش و بی‌نظیر است».

اساس اخلاق همان احساسی است که به وسیله فعل و انفعالات شخص به وجود می‌آید. اخلاق اسلامی که یکی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی است هنگامی که در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز به کار گرفته شود، سرشتی متمایز و جدا از مصلحت موقت و علاقه‌های شخصی پیدا می‌کند. در واقع هدف اسلام هم رسیدن به یک جامعه انسانی است که افراد آن جامعه از رذایل اخلاقی به دور باشند و هر فردی احساس آرامش و طیب خاطر داشته باشد (ر.ک: ابن حمید و ابن ملوح، ۱۴۳۳ق، ج ۱، ص ۸۹). مطالعه در کلام الهی، نشان می‌دهد که اخلاق، ویژگی و اهمیت والایی در جامعه اسلامی دارد، تا جایی که مسلمانان را به برخورد صحیح و مسالمت‌آمیز توصیه می‌کند. پیامبر ﷺ نیز مطابق آیه کریمه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱)، نمونه عینی و تربیت‌یافته آن نظام اخلاقی است. برای مثال هنگامی که یک اعرابی در موقع نماز در مسجد ادرار می‌کند، پیامبر ﷺ با نرمخویی با وی رفتار می‌کند و این اخلاق کریمانه

وی، سبب اسلام آن اعرابی می‌شود یا هنگام اسیر شدن تعدادی از مشرکان، ایشان به یاران خود سفارش می‌کند که با آنها به خوبی رفتار کنند، تا جایی که آنان آن‌قدر با اسیران به نیکی رفتار می‌کردند که اگر خودشان خرما می‌خوردند، به اسرا جنگی نان می‌دادند، در حالی که نان در آن زمان کمیاب و خرما فراوان بود (مبارکپوری، ۱۳۸۲ش، ص ۳۳۳).

در اینجا توجه به دو نکته لازم و ضروری است: نکته اول اینکه دامنه تعالیم اخلاقی در اسلام چنان وسیع و پهناور است که حتی ارائه فهرست کاملی از آن همه تعالیم عمیق و همه‌جانبه کاری بس دشوار است. نگاهی گذرا به روایات ماندگار از پیامبر ﷺ و تعلیمات اخلاقی ایشان، نشان از گستردگی این آموزه‌ها دارد. عمیق‌ترین، باریک‌ترین و ظریف‌ترین نکات در تربیت روحی و اخلاقی و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمان با یکدیگر و دیگران را در قالب جملات ساده و کوتاه بیان شده و فرمولهای عملی برای سازندگی معنوی ارائه گردیده است. نکته دوم اینکه تعلیمات اخلاقی پیامبر ﷺ که برگرفته از قرآن کریم است، چنان است که هر کس در هر مرتبه از مراتب کمال فکری و معنوی که باشد، به تناسب ظرفیت درک خود، می‌تواند از آن بهره‌مند شود، اگرچه بهره‌خواص و صاحبان علم و معرفت از آن دریای بیکران معارف و حقایق، بسیار بیشتر و عالی‌تر است (سادات، ۱۳۶۷ش، ص ۱۹۳). ایشان با نهادینه کردن اصول و موازین اخلاقی در بین عامه مردم (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) و ارائه الگوها و اسوه‌های عملی در زمینه‌های اخلاق پژوهش، اخلاق نقد و شیوه مواجهه با اندیشه‌ها، اخلاق معیشت، اخلاق معاشرت، اخلاق جنسی، اخلاق سیاست و زمامداری و اخلاق گفتگو، زمینه‌های لازم برای پیدایش تمدنی عظیم را فراهم می‌آورد؛ که این راهبرد را می‌توان در همزیستی مسالمت‌آمیز به کار گرفت (ر.ک: عروتی موفق، ۱۳۸۵ش، ص ۳۸).

۵-۵. فرهنگ (قربت معنای فرهنگ و تمدن اسلامی)

به طور کلی تمدن با واژه فرهنگ قربت دارد و گاهی این دو به جای هم به کار می‌روند یا هر کدام طوری استعمال می‌شود که معنای دیگری در آن مشاهده می‌شود. هنگامی که این دو در مقابل هم قرار می‌گیرند، باید فرق این دو را شناخت. تمدن بیشتر به ظواهر زندگی اجتماعی توجه دارد، اما آنجا که پای معنا به میان می‌آید، با فرهنگ ارتباط پیدا می‌کند. چون در زندگی اجتماعی اغلب این دو با هم هستند، جدا کردن حیثیت مادی از حیثیت معنوی آن مشکل است. پس وقتی می‌گوییم تمدن اسلامی؛ یعنی آن ویژگیهای زندگی اجتماعی که متأثر از اسلام است (جدید بناب، ۱۳۹۰ش، ص ۴۰۸).

علامه محمدتقی جعفری «تمدن» را این‌گونه تعریف می‌کند: «تمدن تشکل هماهنگ انسانها در حیات معقول با پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسانها در همه ابعاد مثبت است» (جعفری، ۱۳۵۹ش، ج ۵، ص ۱۶۱). طبق این تعریف، روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروههای جامعه همان اصل همزیستی مسالمت‌آمیز است که تمدن اسلامی، تاکنون توانسته است هویت مستقل فرهنگی به آن بدهد. در این میان سیره نبوی، که امروزه به عنوان تمدن اسلامی از آن یاد می‌شود، آموزگار شیوه زندگی است، به این دلیل که در تعالیم آن، نسبت به شیوه برخورد و رعایت حقوق دیگران از جمله داد و ستد، آداب معاشرت، تدبیر منزل، ازدواج و طلاق، یا در بخش سیاست، نظم و انضباط، حکومت، مدیریت، علم و صنعت و ... نمونه‌های فراوانی دارد. اگر از تمدن اسلامی در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز استفاده شود، قطعاً در هر برهه زمانی کارآمد و مثمر ثمر خواهد بود و دنیای کنونی را از دودستگی و اختلاف نجات خواهد داد.

۵-۶. انسان‌شناختی

با دقت در فرایند استقرار نظام اجتماعی و تمدن اسلامی از سوی رسول مکرم اسلام و پیشوایان دینی ملاحظه می‌شود که آنان اقدامات خود را طی روند و فرایندی دقیق و

حساب شده، مطابق اقتضائات محیطی و انسان‌شناختی (روحی، روانی) به اجرا درآوردند. رسول مکرم اسلام، دین خود را ادامه مسیر انبیاء سلف خواندند و از این جهت با پشتوانه روحی و روانی، کار خود را آغاز کردند (خیری، ۱۳۹۱ش، ص ۱۰).

اولین اقدام ایشان به عنوان یک دعوتگر و نماینده الهی، شناخت روح و روان، خصلتها، آداب معاشرت و همزیستی با دیگران بود تا با شناخت کامل بتواند مسیر خویش را ببیند و به منزل مقصود برسد. از این رو افرادی با ملیتها و نژادهای گوناگون با روح و روان متفاوت، با همزیستی مسالمت‌آمیز در بنا نهادن و اعتلای این تمدن نقش بزرگی را ایفا کردند. آنچه امت و تمدن را پدید می‌آورد، یک وضع سیاسی انسجام یافته نیست، بلکه اراده زندگی با هم است، آن هم اراده‌ای که در پرتو قواعد اخلاقی - به ویژه آنچه در قرآن به عنوان چهارچوب روابط اجتماعی ترسیم گردیده - پدید آمده است. توفیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امت‌سازی از شگفتیهای تاریخ است (*Encyclopaedia Universalis*, Vol.9, P.147) که اعجاب همگان را برانگیخت. در صلح حدیبیه هنگامی که سهل بن عمرو به عنوان آخرین مذاکره کننده صلح به دیدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رود، ایشان طبق شناخت روحی و خاصیت اسمی که بر وی نهاده بودند، پیش‌بینی انعقاد صلح را می‌نماید. در جایی دیگر اقرع بن حابس هنگامی که می‌بیند رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن علیه السلام را می‌بوسید، می‌گوید: من ده فرزند دارم و هیچ‌یک از آنان را تا به حال نبوسیده‌ام. ایشان می‌فرماید: «کسی که رحم نداشته باشد، مورد رحم قرار نمی‌گیرد» (مسلم، ۱۴۱۹ق، ح ۲۳۱۸). بنابراین یک نظام یا دولت و یا حتی پدرانی که نسبت به افراد تحت تکفل خویش مسئول هستند، باید روح و روان افراد را بشناسند، تا با میزان اطلاعات خویش به تربیت، اصلاح، واکنش، کنش، وضع و اجرای قوانین بپردازند.

۵-۷. تربیت

پیامبر صلی الله علیه و آله برای تعلیم و تربیت افراد اهمیت فراوانی قائل بود و به تربیت انسانهایی با اندیشه الهی، مسئولیت‌شناس، تأثیرگذار، توانمند و خلاق که بتوانند با چیره شدن بر

عوامل محیطی و مادی، مدنیتی الهی را تجربه کنند، توصیه می‌کرد. تعیین افرادی در تعلیم و تربیت دینی (ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۹۶) در فنون نظامی و جنگی، در مناسبات سیاسی و مدیریت (ر.ک: یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۷)، نمونه‌هایی از اهمیت و جایگاه تخصص‌گرایی در سیره نبوی است. همچنین توجه به جوان‌گرایی در مدیریت و انتخاب افراد با سنین ۲۰ به بالا برای امارت (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۸۳)، فرماندهی نظامی و پستهای کلیدی دیگر، نشان از اهمیت این اصل در اندیشه نبوی دارد. برای واژه تربیت و متمر ثمر بودن آن مثال زدن شخصی مانند حضرت علی علیه السلام کافی است. او که از بدو تولد تا آخرین لحظات وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دوشادوش وی بود (ر.ک: الحسنی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳).

اصولاً باید به این نکته توجه داشت که تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای نباید به قشری خاص اختصاص داشته و دیگران از آن بی‌بهره باشند، بلکه نظام تعلیم و تربیت باید چنان باشد که هر کس به اندازه استعداد و توانایی خود، بتواند از آن بهره‌مند شود (سادات، ۱۳۶۷ش، ص ۱۹۴). جامعه‌ای که از تربیت و اخلاق خالی باشد، هرگز همزیستی مسالمت‌آمیز را تجربه نخواهند کرد، پس مصلحان و معلمان در جامعه و والدین در محیط خانه (دروازه ورود به جامعه)، بر تعلیم و تربیت توجه داشته باشند تا همزیستی مسالمت‌آمیز، تحمل و رعایت حقوق دیگران نهادینه شود.

افزون بر راهبردها و مؤلفه‌های مشترک میان همه تمدنها برای اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، تمدن اسلامی از ویژگیهایی همانند خدامحوری، حق‌مداری، عدالت‌گستری، حاکمیت اخلاق و کرامت انسانی و مانند آن، برخوردار بوده و است؛ و این ایدئولوژی اسلامی همان راهبرد اساسی برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اگر ماهیت و ابعاد تمدن دینی و ظرفیتهای حاصل از آن را به خوبی در نظر آوریم و ذهن را از شبهات بی‌اساس و نگاههای منفی دین‌ستیزان پاک کنیم، آنگاه به روشنی به نقش مهم و عمیق تمدن اسلامی با ظرفیتهای و پتانسیلهای موجود اجتماعی، رفتار اجتماعی و روابط اجتماعی، سیاست و روابط بین‌الملل، فرهنگ و تعلیم و تربیت بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز را در جامعه مشاهده خواهیم کرد. تمدن اسلامی که از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم الگو گرفته مانند فقه پویا و در مسائل متعدد با توجه به ظرفیتهای موجود زنده، قابل تأسی و الگوبرداری و ارائه راهبرد مناسب برای تمام جهان خواهد بود.

با این وسعت اگر دین را شیوه زندگی، سیرت دارای نظام ارزشی، حقوقی، تربیتی و جهان‌بینی معرفت‌بخش بدانیم، آنگاه هرگز جایی برای انکار نقش دین و تمدن در جامعه وجود نخواهد داشت. دین دارای کارکردهای متنوع و متعدد معرفتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی خواهد بود و در جنگ و صلح، تعلیم و تربیت، اخلاق و فرهنگ جامعه کاملاً به صورت تحمل‌گونه و همزیستی مسالمت‌آمیز حضور و رسوخ خواهد داشت.

راهبرد نوین در راستای مسالمت‌آمیز بودن از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید با توجه به ظرفیتهای موجود در سیره نبوی انجام گیرد و به معنای این نیست که بالفعل تمامی این الگوها و راهبردها در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد، بلکه با تعمق و اندیشیدن و مطالعه و کنکاش رویدادهای تاریخی و عملکرد آن حضرت در این‌گونه مسائل، ظرفیتهای موجود را دریابیم و به عنوان راهبردهای نوین تمدن اسلام برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز به کار گیریم.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۹ق)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دارصادر.
۲. ابن حمید، صالح بن عبدالله؛ ابن ملوح، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۳۳ق)، *موسوعة نضرة النعيم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم*، جده: دارالوسيلة.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۳۱ق)، *مقدمة ابن خلدون*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارالکتب العلمية.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۶۶م)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دارإحياء التراث العربی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، *لسان العرب*، قاهره: المکتبة التوفیقیة.
۸. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۶۳ش)، *السيرة النبویة*، تهران: ایران.
۹. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۷ش)، *سیرت رسول الله*، ترجمه اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه، تهران: خوارزمی.
۱۰. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، *السيرة النبویة*، قاهره: شركة الطباعة الفنية المتحدة.
۱۱. ابوشهبه، محمد (۱۴۳۱ق)، *جوانب من عظمة الرسول*، قاهره: مکتبة السنة.
۱۲. الویری، محسن؛ مهدی نژاد، سید رضا (۱۳۹۲ش)، «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، شماره ۱۸.
۱۳. انوری، حسن (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح البخاری*، دمشق: دارطوق النجاة.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸ق)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمية.
۱۶. بن نبی، مالک (۱۹۹۲م)، *شروط النهضة*، دمشق: دارالفکر.
۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۷۵م)، *سنن الترمذی*، قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

۱۸. جدید بناب، علی (۱۳۹۰ش)، «جستاری در فرهنگ و تمدن اسلامی»، در: alibonab.persianblog.ir
۱۹. جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹ش)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. حتی، فیلیپ خوری (۱۳۶۶ش)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه.
۲۱. الحسنی، محمدعلی (۱۴۱۶ق)، سیرة المرتضی، بیروت: مؤسسه عزالدین.
۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۲۲ق)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالغرب الإسلامی.
۲۳. خیری، حسن (۱۳۹۱ش)، «رویکرد فرایندی اسلام در تمدن‌سازی»، مجموعه مقالات یازدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی (تمدن نوین اسلامی)، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۴. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۲۵. رادمنش، عزت‌الله (۱۳۵۷ش)، کلیات عقاید ابن‌خلدون درباره فلسفه، تاریخ و تمدن، تهران: قلم.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدار الشامیة.
۲۷. رشاد، محمد (۱۴۲۸ق)، تعریف عام لشخصیة الرسول، دمشق: دار محمدامین.
۲۸. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲ش)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
۲۹. سادات، محمدعلی (۱۳۶۷ش)، اخلاق اسلامی، تهران: سمت.
۳۰. سپهری، محمد (۱۳۹۱ش)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت.
۳۱. شلبی، محمود (۱۳۸۲ش)، جامعه‌گرایی اسلامی (نظام اجتماعی، اقتصادی) حضرت محمد ﷺ پیامبر اسلام، ترجمه محمدسعید مجیدی، سنج: شیخی.
۳۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۶۲ش)، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ترجمه سید محمود موسوی دهرسخی، قم: بصیرتی.
۳۳. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۷ش)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۳۴. عروتی موفق، اکبر (۱۳۸۵ش)، «پیامبر اعظم ﷺ بنیانگذار تمدن اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۱۱۰.
۳۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳ش)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر.
۳۶. کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۸۲ش)، «ادیان الهی و همزیستی مسالمت‌آمیز»، مجله رواق اندیشه، شماره ۲۶.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۸. مبارکپوری، صفی الرحمن (۱۳۸۲ش)، سیرة النبی ﷺ ترجمه فارسی الرحیق المختوم، ترجمه عبدالله خاموش هروی، تربت جام: شیخ الإسلام احمد جام.
۳۹. مسلم بن حجاج نیشابوری (۱۴۱۹ق)، صحیح مسلم، ریاض: بیت الأفكار الدولية.
۴۰. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۴ش)، «ظرفیت‌های تمدن‌سازی سیره نبوی»، مجله اندیشه تمدنی/اسلام، شماره ۱.
۴۱. منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی (۱۴۲۶ق)، الترغیب و الترهیب، بیروت: دارالکتب العربی.
۴۲. میکل، آندره؛ لوران، هانری (۱۳۸۱ش)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
۴۳. نجیم سالم، عبدالله (۱۴۲۶ق)، الرعاية النبوية للشؤون الدنيوية، بیروت: المكتبة العصرية.
۴۴. ندوی، سلیمان (۱۴۲۶ق)، الرسالة المحمدية، دمشق: دارالقلم.
۴۵. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴ش)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
۴۶. همتی، همایون (۱۳۹۲ش)، «تحلیل نقش دین در جامعه»، مجله معرفت/ادیان، شماره ۱۵.
۴۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.
48. *Encyclopaedia Universalis*, Paris: Encyclopaedia Universalis France S.A, Vol.9, 1968.